

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته: نیکوس موتاس
برگردان: آمادور نویدی
۰۸ جون ۲۰۲۴

پنج دروغ بزرگ ضدکمونیستی



مرسوم شده که تاریخ را پیروزمندان جنگ بنویسند. غلبه ضدانقلاب و تخریب سوسیالیسم در اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی در اوایل دهه ۱۹۹۰، منجر به تشدید سیاست ضدکمونیسم (۱) در همه سطوح شد. مجموعه‌ای از تئوری‌های سفسطه‌آمیز در نگارش تاریخ‌نگاری بورژائی و رسانه‌های کورپوراتی مسلط توسعه یافت که هدفشان تهمت به سوسیالیسم قرن ۲۰م و اهریمن‌سازی از مرام مارکسیستی-لنینیستی (۲) بود که تا به امروز نیز ادامه دارد.

پنج مورد از شایع‌ترین افسانه‌های ضدکمونیستی را در اینجا بررسی می‌کنیم:

اولین افسانه: قحطی عمدی بزرگ سال‌های ۱۹۳۲-۱۹۳۳ در اوکراین

قحطی بزرگ سال‌های ۱۹۳۲-۱۹۳۳ در اوکراین، که نیز به‌عنوان هولومودور (The Holodomor) شناخته می‌شود، یک قحطی دست‌ساز بشر بود، که عمداً جهت تنبیه و شکست گرایش‌های ناسیونالیستی اوکراینی‌ها توسط دولت شوروی در زمان ژوزف ستالین طراحی و مهندسی شده بود.

نگرش «قحطی عمدی ساخت بشر» نه یک قحطی از قبل برنامه‌ریزی شده توسط دولت شوروی، بلکه ساخته و پرداخته نازی‌ها و هم‌دست‌های اوکراینی آنها بود که به آمریکا و کانادا مهاجرت کرده بودند و در سال‌های پس‌اجنگ توسط امپریالیست‌های امریکائی و اروپای غربی در چارچوب جنگ صلیبی ضدکمونیستی خود علیه اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی اتخاذ شده بود.

گزارشی دروغ در «امریکن شیکاگو» (Chicago American)، رسانه‌ی خبری منتشر شد که متعلق به ویلیام راندولف هرست (William Randolph Hearst)، اشرافی منتقد و حامی نازی در آمریکا بود، که به پخش این اراجیف در غرب کمک‌های قابل‌ملاحظه‌ای کرد. این دیدگاه، متعاقب دهه‌ها تحقیق علمی مستقل به وسیله بورژوازی - از هر نظر پژوهش‌گر - نه کمونیست یا دوست‌دار کمونیست - تکذیب شده است.

بنابراین، چه عاملی منجر به قحطی شد؟ سه دلیل بزرگ وجود دارد:

(۱) شرایط بسیار بد آب و هوایی در سراسر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی؛

(۲) فعالیت‌های زیاد ضدانقلابی (مانند سابوتاژها)ی کولاک‌ها و سایر عناصر مرتجع به‌عنوان پاسخی به سیاست اشتراکی‌کردن (کلکتیویزاسیون)؛

(۳) موقعیت اقتصادی ناشی از پروسه دردناک، اما ضروری اشتراکی‌کردن .

گواهی شاهدان عینی، مانند والتر دورانتی (Walter Duranty)، ژورنالیست آمریکا-انگلیس، هربرت جورج ولز (Herbert George Wells)، تاریخ‌دان انگلیس، ادوارد اریو (Eduard Eryu)، نخست‌وزیر فرانسوی، و آنا لویس سترونگ (Anna Louis Strong)، ژورنالیست و نویسنده امریکائی، دروغ «قحطی دست‌ساز بشر» را کاملاً تکذیب کرده اند.

افسانه دوم: قتل‌عام سال ۱۹۴۰ کاتین به دستور ستالین و توسط شوروی انجام گرفت.

کشتار بیش از ۲۰ هزار از اسیرهای جنگی پولندی در اپریل- مه ۱۹۴۰، معروف به «کشتار جنگلی کاتین»، عملاً جنایتی بود که به‌وسیله نازی‌ها صورت گرفت.

المانی‌ها به ابتکار جوزف گوبلز، وزیر تبلیغات نازی در سال ۱۹۴۳، آشکارا اتحاد شوروی - به ویژه سازمان پولیس‌های مخفی شوروی (NKVD) (۳) را به‌عنوان کسانی‌که مرتکب جنایت شده اند، مقصر می‌دانستند. متعاقباً، این دروغ به‌وسیله کل جهان سرمایه‌داری (از این به‌بعد کاپیتالیستی) طی جنگ سرد به‌کار گرفته شد و تا به امروز به‌عنوان یکی از بحث‌های مورد علاقه افسانه‌های ضدکمونیستی باقی‌مانده است.

دکتر گوبلز در دفتر خاطرات روزانه شخصی خودش نوشت: «دستور داده ام که باید به بهترین وجه ممکن از این موضوع تبلیغاتی استفاده شود و ما می‌توانیم با این وضع تا دو هفته ادامه دهیم» (۱۴/۴/۱۹۴۳)، و متأسفانه جنگ افزارهای المانی در گورهای کاتین پیدا شده است... به هر حال، لازم است که این حادثه فوق سری بماند. اگر این موضوع توسط دشمن کشف شود، باید از کل موضوع کاتین صرف‌نظر کرد...» (۰۸/۰۵/۱۹۴۳)

این که «شوروی مقصر است»، اساساً بر مبنای «اطلاعات بایگانی شده» است و ادعا می‌شود در اوج حمله ضدانقلابی پیدا شده که در نهایت منجر به تخریب اتحاد شوروی شد.

واقعیت اینست که، این نخستین رهبر فدراسیون روسیه، بوریس یلتسین، یک ضدکمونیست رسوا بود که علناً و رسماً «قبول نمود» که شوروی مقصر بوده است.

با این حال، این به اصطلاح «مدارک شوروی»، که ظاهراً سازمان پولیس‌های مخفی شوروی را مسؤول کشتار نشان می‌دهد، مملو از ضد و نقیض‌ها و اشتباه‌های تاریخی است. جهت نمونه: یکی از این به اصطلاح «مدارک رسمی شوروی»، که به گفته برخی‌ها طبق دستور دفتر سیاسی جهت اعدام پولندی‌ها، دارای امضای «حزب کمونیست اتحاد شوروی» (CPSU) است، که تا سال ۱۹۵۲ وجود داشته است. نام حزب در سال ۱۹۴۱ (زمان ارتکاب جنایت کاتین)، «حزب کمونیست کل اتحادیه‌ها- بلشویک» (AUCP-B) بود.

به اضافه، مجموعه‌ای از مدارک در گورهای دسته‌جمعی پیدا شد که افسانه «شوروی‌ها مقصر بوده اند» را بی‌ارزش می‌سازد. از جمله، (مهمات المانی پیدا شده در قبرها، و گلوله‌هایی که فقط توسط المان نازی تولید می‌شده و همچنین دست و پای قربانیانی که با ریسمان‌های سفید رنگی بسته شده که در خارج از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تولید می‌شده است و غیره).

آخر، اداره سرویس امنیت فدراسیون روسیه (FSB) در منطقه اسمولینسک (Smolensk)، چندین سند از آرشیو را از رده طبقه‌بندی شده خارج نموده که جنایت‌های نازی‌ها، طی جنگ جهانی دوم در منطقه اسمولینسک را برملا می‌سازد، از جمله مدارکی پیدا شده که مرتبط با اعدام پولندی‌ها و جعل پرونده کشتار کاتین توسط المان نازی است.

افسانه سوم: ادعای ائتلاف اتحاد شوروی ستالین با هیتلر از طریق امضای معاهده مولوتوف-ریبینتروپ در سال ۱۹۳۹.

بورژوازی با تلاش‌های زشت، غیرعلمی و غیرتاریخی خود جهت برابر دانستن کمونیسم و نازیسم، تبلیغات زیادی به راه انداخته است تا معاهده مولوتوف-ریبینتروپ را به عنوان ابزاری جهت سیاست توسعه‌طلبانه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و المان هیتلری نشان دهد.

اما آیا حقیقت دارد که ستالین با هیتلر متحد شد؟ خلاصه حقیقت چنین است:

(۱) درست یک سال پیش از امضای معاهده عدم تجاوز مولوتوف-ریبینتروپ، در ۳۰ سپتامبر ۱۹۳۸، رهبران انگلیس، فرانسه، المان نازی و فاشیست ایتالیا معاهده مونیخ را امضاء کردند. این معاهده شرم‌آور، رفتاری سازش‌کارانه با المانی‌ها بود که منجر به ضمیمه چکسلواکی و تسریع توسعه‌طلبی نازی‌ها گشت.

(۲) انگلیس و فرانسه علی‌رغم امضای توافق کمک‌های دوجانبه با پولند، در زمان حمله المان به پولند در ۱ سپتامبر ۱۹۳۹، هیچ‌کاری نکردند.

(۳) «ائتلاف غربی» همه پیش‌نهادهای اتحاد شوروی مبتنی بر ایجاد یک معاهده دفاعی علیه هیتلر را نپذیرفت. جهت نمونه: در ماه مارچ ۱۹۳۸، شش ماه پیش از معاهده مونیخ، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پیش‌نهاد کنفرانس بین‌المللی را ارائه داد تا با تجاوز نازی‌ها مقابله شود. پیش از معاهده مولوتوف-ریبینتروپ، در ۲۳ جولای ۱۹۳۹، اتحاد شوروی به انگلیس و فرانسه پیش‌نهاد مذاکره جهت ایجاد یک طرح دفاعی در صورت حمله المان را ارائه داد. اما با این حال، دولت انگلیس ترجیح داد جهت معاهده عدم تجاوز، مخفیانه با نمایندگان هیتلر در لندن مذاکره کند!

(۴) معاهده عدم تجاوز مولوتوف-ریبینتروپ یک مانور دیپلماتیک ضروری از طرف اتحاد شوروی بود، تا بتواند زمان بخرد و به طور مؤثر جهت یک جنگ تمام‌عیار آماده شود، در حالی که «ائتلاف غربی» پیش‌نهاد مبتنی بر ایجاد یک جبهه ضدنازی را نپذیرفته بود. تاریخ‌نویسان و ژورنالیست‌های بورژوازی غربی [جهت نمونه: فوستر رها دلاس (Foster Rhea Dulles)، ویلیام ال. شیرر (William L. Shirer)] اعتراف می‌کنند که با توجه به شرایط آن زمان و خطر حمله المان، سیاست شوروی واقع‌بینانه و ضروری بود.

۵) معاهده عدم تجاوز مولوتوف-ریبنتروپ حاوی هیچ «پروتکل مخفیانه» جهت تقسیم پولند نبود. در واقع، این معاهده ۱۹۳۸ مونیخ بود که منجر به تقسیم چکسلواکی شد، همان‌گونه که رُخ داد. پولند فعالانه در حمله ائتلاف امپریالیستی علیه دولت تازه تأسیس شوروی در ۱۹۱۸ شرکت کرده بود. رهبری بلشویک در ۳ مارچ ۱۹۱۸، با معاهده برست-لیتوفسک (Treaty of Brest-Litovsk)، از ادعای تزاری بر پولند انصراف داد، اما دولت پولند تعدادی از مناطق بالکان، از جمله غرب بلاروس، غرب اوکراین و بخشی از لیتوانی را تحت کنترل خود حفظ کرد. پس از حمله ۱۹۳۹ نازی‌ها به پولند، ارتش سرخ به سمت مرزهای شوروی و پولند به‌پیش رفت و مناطق ذکر شده را آزاد نمود. بنابراین نتیجه می‌گیریم که:

خیر، این اتحاد شوروی نبود که با آلمان نازی ائتلاف نمود، بلکه این قدرت‌های کاپیتالیستی غربی، یعنی انگلیس و فرانسه بودند که تلاش کردند هیتلر را علیه شوروی‌ها سوق دهند. گفته هری ترومن (Harry Truman) پرزیدنت و جنایت‌کار جنگی رسوای امریکا در سال ۱۹۴۱ افشاء کننده است: «اگر دیدیم که آلمان در حال پیروزی‌ست، باید به روسیه کمک کنیم و اگر روسیه در حال پیروزی باشد، باید به آلمان کمک کنیم، تا از این طریق بگذاریم تا آن‌جائی که ممکن‌ست یکدیگر را بکشند...»

افسانه چهارم: کمونیسم کارآئی نداشت و سقوط کرد.

نخست و مهم‌تر از همه چیز: ما توقع نداریم که ضدکمونیست‌ها الفبای مارکسیسم را یاد بگیرند، اما آن‌هایی که دروغ‌های تبلیغاتی فوق‌الذکر را تکرار می‌کنند، حداقل باید بدانند که کمونیسم را از مرحله نخست آن، سوسیالیسم، تشخیص دهند. ساخت سوسیالیسم در اتحاد شوروی و کشورهای دیگر، نمایان‌گر نخستین کوشش طبقه کارگر برای برقراری یک جامعه کمونیستی نوین، جامعه‌ای بود که فاقد استثمار انسان توسط انسان باشد. تاریخ بشر به‌ترتیب با سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی، از کمونیسم اولیه گرفته تا برده‌داری و از فئودالیسم گرفته تا کاپیتالیسم شناخته می‌شود. همه این سیستم‌ها یک‌باره و برای همیشه ایجاد نشدند، بلکه به عکس، قرن‌ها زمان بُرده است تا هرکدام از آن‌ها برقرار شود. در نتیجه، کاپیتالیسم مانند جامعه فئودالی، نه برای همیشه ماندنی‌ست و نه نشان‌گر پایان پروسه تاریخی بشر.

این نظریه که «سوسیالیسم/کمونیسم» کارآئی نداشت» دروغ محض است. سیستم سوسیالیستی قرن ۲۰م، علی‌رغم مشکلات و ضعف‌هایی که داشت، تقریباً از همه نظر برتری‌اش را بر کاپیتالیسم اثبات نمود: از دست‌آوردهای کارگران گرفته تا حقوق زنان، از مراقبت‌های بهداشتی و آموزش و پرورش گرفته تا علم، سوسیالیسم برتری عمده‌اش را نشان داد. لغو مناسبات کاپیتالیستی در تولید، رهائی انسان از یوغ بردگی مزدی، و بدین‌ترتیب مسیر را جهت تولید و توسعه علوم، نه به‌نفع عده کمی، بلکه جهت ارضای نیازهای اکثریت مردم فراهم ساخت. سوسیالیسم بدین‌جهت که «کارآئی نداشت»، «سقوط نکرد». دلیل‌های متعددی وجود داشت که به غلبه ضدانقلاب و احیای کاپیتالیسم در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی کمک نمود.

یکی از بزرگ‌ترین اشتباه‌ها، کوشش رهبری جهت «بهبود» مشکلات خاص اقتصاد سوسیالیستی، با به‌کارگیری شیوه‌های کاپیتالیستی، نمایان شد. (جهت نمونه: رفرم‌های بازار، تضعیف برنامه‌ریزی مرکزی، و غیره). چیزی که با چرخش اپورتونیستی در کنگره ۲۰م اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سال ۱۹۵۶ شروع شد، و با به‌اصطلاح «پرسترویکا» در سال‌های ۱۹۸۰ خاتمه یافت.

همه آن‌هایی که ادعا کرده و می‌کنند که «سوسیالیسم کارآئی نداشت»، که «کمونیسم یک اتویی شکست خورده است»، و غیره، باید به سوال‌های زیر پاسخ بدهند:

اگر چیزی را که آن‌ها می‌گویند درست است، پس چرا همچنان علیه ایده سوسیالیسم و کمونیسم مبارزه می‌کنند؟
اگر «کمونیسم آینده ای ندارد»، پس چرا قدرت‌ها و مؤسسه‌های بورژوائی میلیاردها (دالر، یورو، پوند...) صرف تبلیغات ضدکمونیستی می‌کنند؟

برای این‌که آن‌ها بخوبی می‌دانند که تاریخ در سال ۱۹۹۱ پایان نیافت، این‌کارها را می‌کنند. آن‌ها کاملاً بخوبی آگاهند که کاپیتالیسم، با سرشت آنارشیستی خود در تولید و سودخائی که می‌کند، برای انسان‌ها چیزی به جز فقر، بدبختی، بی‌کاری، نابرابری‌ها و جنگ‌های امپریالیستی ندارد.

افسانه پنجم: کمونیسم ۱۰۰ میلیون نفر را گشت!

چرندترین و دروغ‌ترین ادعای تاریخ بشریت همین دروغ کشتار ۱۰۰ میلیونی توسط کمونیسم است. حتی خلاق‌ترین نمایش‌نامه‌نویس فلم‌های علمی و تخیلی نمی‌تواند یک چنین سفسطه‌ای را تصور کند.

سرچشمه این ادعا «کتاب سیاه کمونیسم» بدنام، کتابی کاملاً نامعتبر، و غیر علمی است که در سال ۱۹۹۷ منتشر و به وسیله استفان کورتوایس (Stephan Courtois) تاریخ‌دان فرانسوی ویرایش شد. طبق کتاب مذکور، قربانیان «رژیم‌های کمونیستی» در قرن ۲۰م، بین ۸۵ تا ۱۰۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود!!! کورتوایس و همکارهای وی جهت رسیدن به خواسته تعداد مطلوب قربانیان ۱۰۰ میلیون، حتی «کمونیسم» را جهت مرگ و میر ناشی از مصیبت‌های طبیعی، از جمله خشک‌سالی و بیماری‌های مُسری، گناهکار جلوه می‌دهند!!!

کوچک‌ترین سند علمی جهت ادعای «کتاب سیاه کمونیسم» وجود ندارد. همین موضوع هم در مورد اتهام‌های وحشتناک ضدکمونیست‌های رسوائی مانند روبرت کونکوست (Robert Conquest)، مأمور انگلیس و تاریخ‌دان ام آی ۶ (MI-6)، و الکساندر سولژنیسن (Aleksander Solzhenitsyn)، نویسنده روسی فاشیست، صادق است.

کل استدلال‌هایی که از دروغ‌های روزمره گویز الهام گرفته، از جمله در مورد به اصطلاح میلیون‌ها نفر «قربانی کمونیسم»، فقط به‌منظور انحراف از بحث‌های عمومی درباره جنایت‌های روزانه کاپیتالیسم علیه انسان‌ها بوده است. در واقع، بعد از انقلاب فرانسه، چند میلیون نفر از انسان‌هایی که تا به امروز کشته، زخمی و زمین‌گیر شده، و یا به‌قتل رسیده اند، ناشی از استثمار کاپیتالیستی، کلونیالیسم (استعمار کهنه و نو) و جنگ‌های امپریالیستی بوده است.

درباره نویسنده:

نیکوس موتاس سردبیر سایت در دفاع از کمونیسم است.

<https://www.idcommunism.com>

لطفا جهت اطلاع بیشتر به منابع زیر مراجعه کنید:

کلابرداری، قحطی و فاشیسم، افسانه نسل‌کشی اوکراینی‌ها/اوکراین از هیتلر تا هاروارد، نوشته داگلاس توتل (۱۹۸۷)
انتشارات پروگرس، تورنتو

Douglas Tottle (1987), Fraud, Famine and Fascism, The Ukrainian Genocide Myth from Hitler to Harvard, Progress Books, Toronto

دروغ‌های خونین، نویسنده گروور فور (۲۰۱۴)، انتشارات ستاره سرخ.

Grover Furr (2014), Blood Lies, Red Star Publishers.

«نوسازی کشاورزی شوروی (۲۰۰۶)، «ستالین، کشاورزی شوروی، و اشتراکی کردن» (۲۰۰۶)؛ و «دهقانان شوروی و اشتراکی کردن، ۱۹۳۰-۱۹۳۹: مقاومت و تطبیق» (۲۰۰۵).

-Mark Tauger's "Modernization in Soviet Agriculture" (2006); "Stalin, Soviet Agriculture, and Collectivization" (2006); and "Soviet Peasants and Collectivization, 1930-39: Resistance and Adaptation." (2005).

معمای قتل‌عام کاتین. مدارک. راه حل. نوشته گروور فور، مطبوعات و رسانه‌های اریتروس.

Grover Furr (2018), The Mystery of the Katyn Massacre. The Evidence. The Solution. Erythros Press & Media.

ورشن رسمی قتل‌عام ثابت نشده کاتین؟: کشفیات در منطقه قتل‌عام المان در اوکراین، ۸ اپریل ۲۰۱۳، نوشته: گروور فور، سوسیالیسم و دمکراسی»، جلد ۲۷، شماره ۲، صص ۹۶-۱۲۹:

-Grover Furr. The "Official" Version of the Katyn Massacre Disproven?: Discoveries at a German Mass Murder Site in Ukraine, 8 April 2013, «Socialism and Democracy», Vol. 27, No.2, σελ. 96-129: <http://doi.org/10.1080/08854300.2013.795268>.

کاتین: حقایق و مدارک جدید

[Katyn: New Facts and Evidence](#)

مسیر به تهران: داستان روسیه و امریکا، ۱۷۸۱-۱۹۴۳، نوشته: فوستر ریا دالاس، انتشارات دانشگاه پرینستون.

Foster Rhea Dulles (1944), The road to Tehran: The Story of Russia and America, 1781-1943, Princeton University Press

ظهور و سقوط رایش سوم: تاریخ المان نازی، نوشته ویلیام ال. شیرر، سایمون و شوستر

William L. Shirer (2011), The Rise and Fall of the Third Reich: A History of Nazi Germany, Simon & Schuster

ستالین هرگز با هیتلر ائتلاف نکرد: حقیقت درباره معاهده مولوتوف و ریبنترپ: نوشته نیکوس مونتاس.

Nikos Mottas, Stalin never allied with Hitler: The Truth about the 1939 Molotov-Ribbentrop Pact: <http://www.idcommunism.com/2022/08/stalin-never-allied-with-hitler-truth-about-the-1939-molotov-ribbentrop-pact.html>

۱۸مین کنگره حزب کمونیست یونان: قطعنامه درباره سوسیالیسم. ارزیابی و نتیجه‌گیری درباره ساخت سوسیالیستی طی قرن ۲۰م، با تمرکز بر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی. برداشت حزب کمونیست یونان از سوسیالیسم:

18th Congress of the KKE: Resolution on Socialism. Assessments and conclusions on socialist construction during the 20th century, focusing on the USSR. KKE's perception on socialism: <https://inter.kke.gr/en/articles/18th-Congress-Resolution-on-Socialism/>

چرا سوسیالیسم از کاپیتالیسم برتر است- دست‌آورد های ساخت سوسیالیسم در اتحاد شوروی:

Nikos Mottas, Why Socialism is superior to Capitalism- The achievements of Socialist construction in the Soviet Union: <https://www.idcommunism.com/2016/09/why-socialism-is-superior-to-capitalism.html>

برگردانده شده از:

The Five Biggest Anti-Communist Lies

By Nikos Mottas

<https://www.idcommunism.com/2024/05/the-five-biggest-anti-communist-lies.html>

منابع:

(۱)

[anti-communism](#)

<https://www.idcommunism.com/2024/05/the-five-biggest-anti-communist-lies.html>

(۲)

ideology [Marxist-Leninist](#)

On the political economy of contemporary imperialism: The concept of the “imperialist pyramid” and its critics

By Thanasis Spanidis

<https://www.idcommunism.com/search/label/Marxist-Leninist%20Theory>

(۳)

NKVD

The Soviet secret police agency

سازمان پولیس های مخفی شوروی